ضمیمه ۱
روح‌های شریر و جنگ روحانی

کتاب مقدس در باره روح‌های شریر و جنگ روحانی چه تعلیمی‌می‌دهد؟ در باره آنچه کتاب مقدس درمورد روح‌های شریر و سقوط آنها، اهداف آنها از نابود کردن، و خلع سلاح آنها بوسیله مسیح، خواهیم آموخت. در نهایت می آموزیم که مسیحیان باید در مبارزه روحانی خود بر علیه روحهای شریر چکار کنند.

کتاب مقدس بطور واضح تعلیم میدهد که از حدود ۲۰۰۰ سال پیش در آمدن اولیه عیسی مسیح، شیطان " بسته" شده است و روحهای شریر او "خلع سلاح" شده اند. بسته شدن شیطان یا محدود شدن او آشکارا در انجیل متی ۱۲: ۲۸- ۳۰ ؛ لوقا ۱۰: ۱۷- ۲۰ و یوحنا ۱۲: ۳۱- ۳۲ و همچنین در رسالات به کولسیان ۱: ۱۳ ؛ کولسیان ۲: ۱۵ ؛ عبرانیان ۲: ۱٤ و اول یوحنا ۳: ۸ تعلیم داده شده است. کتاب مکاشفه یوحنا این " بسته شدن" شیطان را در تصاویر مکاشفه ای تمثیلی در مکاشفه ۱۲: ۷- ۹ و مکاشفه ۲۰: ۱- ۳ شرح میدهد.

الف - روح‌های شریر و سقوط آنها

کشف و گفتگو کنید: روح‌های شریر که هستند؟

الف) خلقت فرشتگان
بخوانید: کولسیان ۱: ۱٦ ؛ عبرانیان ۱: ۱٤
زمانی که خدا کائنات را آفرید، انواع مختلف فرشتگان را نیز آفرید و آنها را "ریاستها و قوات" نامید. این ریاست و قوات در اصل بوسیله مسیح و برای مسیح آفریده شدند. به عبارت دیگر آنها باید باعث جلال عیسی مسیح بوده، در خدمت اهداف او باشند. فرشتگان روح‌های خدمتگزار هستندکه به وسیله خدا برای خدمت کردن به آنانی که وارث نجات خواهند بود، فرستاده می‌شوند. غیر مسیحیان بسیاری وجود دارند که یک فرشته در خواب یا رویا با آنها ملاقات کرده و آنها به عیسی مسیح به عنوان خداوند و نجات دهنده ایمان آورده اند.

ب) سقوط فرشتگان شریر
بخوانید: مکاشفه ۱۲: ٤، ۹
وقتی که فرشته مقرب، شیطان سقوط کرد، بسیاری ار فرشتگان دیگر را همراه خود به ورطه گناه انداخت. (مکاشفه ۱۲: ٤). از آن زمان به بعد این فرشتگان «فرشتگان شیطان» یا «دیوها» یا «روح‌های شریر» (متی ۱۲: ۲۲-۲۸ ؛ ٤۳-٤٥) نامیده شدند. معلمین کاذب بسیاری از مذاهب، دائماً به این وجودهای شیطانی سقوط کرده یا روح‌های شریر به عنوان «خدایان» اشاره می‌نمایند (اول قرنتیان ۸: ٤-٥) وحتی آنها را به عنوان «خدایان» خود پرستش و عبادت می‌کنند. (اول قرنتیان ۱۰: ۲۰).

پ) فرشتگان نیکو و شریر
۱) **بخوانید:** اول تیموتاؤس ٥: ۲۱ ؛ افسسیان ۱: ۲۱-۲۲ ؛ ٦: ۱۲ ؛ اول پطرس ۳: ۲۲
پولس و پطرس رسول، وجود فرشتگان نیکو یا فرشتگان برگزیده و توانایی آنها را در تأثیر گذاشتن در جهت نیکویی، انکار نمی‌نمایند. آنها همچنین وجود فرشتگان شریر و توانایی آنها را در تأثیر گذاشتن در جهت شرارت انکار نمی‌کنند. اما ایشان تأکید می‌کنند که هیچ فرشته ای جدا از عیسی مسیح هیچ قدرتی ندارد و تمام این قوات کاملاً مطیع و فرمانبردار عیسی مسیح هستند.
۲) **بخوانید:** کولسیان ۲: ۹-۱۰ ؛ رومیان ۸: ۳٥-۳۹
فرشتگان نیکو نمی‌توانند هیچ چیزی به آنچه مسیحیان قبلاً در عیسی مسیح داشته اند، اضافه کنند و فرشتگان شریر هرگز نمی‌توانند مسیحیان را از محبت خدا جدا سازند.
۳) **بخوانید:** غلاطیان ۱: ۳-۹
بعضی از فرشتگان سقوط کرده، به پیغام مذاهب دیگر به عنوان چیزی که از جانب خدا آمده، موعظه می‌کنند، اما آنها تا به ابد محکوم هستند.
٤) **بخوانید:** اول قرنتیان ۱٥: ۲٤-۲٥ ؛ دوم پطرس ۲: ٤ ؛ یهودا ۱: ٦
فرشتگان شریر به روزی نزدیک می‌شوند که در آن روز حتی توانایی آنها برای صدمه زدن به خلقت خدا و به قلبها و زندگی های انسانها یکبار و برای همیشه پایان خواهد پذیرفت. فرشتگان سقوط کرده یا روح‌های شریر نمی‌توانند نجات یابند و مطمئناً در روز داوری نهایی، داوری خواهند گردید.

ب- اهداف مختلف روح‌های شریر

۱- سعی شیطان این است که مدعی تمام جهان باشد.

کشف و گفتگو کنید: حدود اقتدار شیطان و قدرت او در این جهان چه اندازه می‌باشد؟

الف) شیطان فقط رئیس دنیای شریر است.
بخوانید: لوقا ٤: ٥-٦ ؛ یوحنا ٨: ٤٤ ؛ یوحنا ١٢: ٣١ ؛ اول یوحنا ٥: ١٩ ؛ افسسیان ٢: ٢
ملاحظات: شیطان ادعا می‌کند که «همه ممالک جهان و جلال و قدرت آنها» به او داده شده است و اینکه می‌تواند آن را به هر که می‌خواهد بدهد (لوقا ٤: ٥-٦). یوحنا هشدار می‌دهد که "تمام جهان" تحت کنترل شریر است (اول یوحنا ٥: ١٩). پولس می‌گوید که شیطان پادشاه و رئیس «قدرت هوا» می‌باشد. (افسسیان ٢: ٢). آیا این سه قسمت تعلیم می‌دهد که شیطان مالک و صاحب تمام ممالک جهان است و تمام انسانهای روی زمین را کنترل می‌کند؟ آیا تعلیم می‌دهد که شیطان و روح‌های شریر او قدرتمندترین در جهان می‌باشند؟
خیر. شیطان مالک تمام جهان و مردم آن نبوده و آنها را کنترل و اداره نمی‌کند. زمانی که یوحنا صحبت از «جهان» می‌کند، منظور او فقط «دنیای شریر» است، یا به عبارت دیگر «تمام اجتماع مردم شریر در جهان که از خدا بیگانه گشته اند یا با خدا مخالفت می‌کنند» (یوحنا ١٥: ١٨-٢٥). مسیحیان در این جهان، متعلق به دنیای شریر نمی‌باشند و تحت قدرت پادشاه شریر آن نیز نیستند، بلکه در ملکوت عیسی مسیح در این جهان و تحت قدرت مطلق و عالی پادشاه پادشاهان قرار دارند (متی ١٣: ٣٧-٣٩ ؛ یوحنا ١٨: ٣٦ ؛ ١٧: ٢٤-٢٥ ؛ کولسیان ١: ١٣). زمانی که پولس صحبت از «رئیس قدرت هوا» می‌کند، منظورش این است که شیطان می‌تواند اعمال ویرانگر خود را از طریق فرشتگان شریر در جوامع اشخاص شریر روی زمین و اتمسفر اطراف آن به عمل آورد. شیطان فقط پادشاه این دنیای شریر است (یوحنا ١٢: ٣١). شیطان و روح‌های شریر او فقط می‌توانند در محدوده قدرت مطلق خدا و اجازه او عمل کنند. بنابراین زمانی که شیطان ادعا می‌کند که مالک و حاکم بر تمام ممالک می‌باشد و این حق را دارد و می‌تواند آنها و دارایی آنها را آنطور که می‌خواهد، منهدم سازد، دروغ می‌گوید (یوحنا ٨: ٤٤).

ب) عیسی مسیح پادشاه و سلطان کل عالم هستی می‌باشد.
بخوانید: متی ٢٨: ١٨ ؛ افسسیان ١: ٢١-٢٢ ؛ اول پطرس ٣: ٢٢، مکاشفه ١: ٥ ؛ ١٧: ١٤ ؛ ١٩: ١٦
ملاحظات: در طول عالم حاضر و عالمی که می‌آید، عیسی مسیح «بالاتر از هر ریاست و قدرت و سلطنت می‌باشد. خدا همه چیزها را زیر پای او قرار داده و او را سر همه چیز قرار داد». عیسی مسیح بر همه چیز در عالم هستی و بر هر شخص بر روی زمین قدرت و اختیار دارد. این عیسی مسیح نیست که در این جهان حاضر در ردیف دوم قرار گرفته است، بلکه شیطان و روح‌های شریر او. تنها چیزی که آیات ذکر شده در بالا از کتاب مقدس می‌گویند این است که هنوز شیطان تأثیر قدرتمندی برای شرارت در زندگی همه اشخاص شریر و روح‌های شریر که شیطان را به عنوان ارباب و آقای خود اعتراف کرده اند، بکار می‌گیرد.

۲- روح‌های شریر شیطان به دنبال کنترل قلمروهای به خصوصی بر روی زمین هستند.

مقدمه: کتاب مقدس بیان می‌کند که چگونه انسانها بعضی مواقع به «روح‌های منطقه ای» اعتقاد دارند. آنها معتقدند که تمام جهان به چندین منطقه یا قلمرو تقسیم شده است و هر منطقه یا قلمرو بوسیله روح‌های شریر خاصی کنترل می‌شود. این غیرمسیحیان باور دارند که برای آرام نگه داشتن این روحهای شریر و سران شریرشان باید هر روح را در قلمرو تحت اختیارش عبادت کنند.

الف) قلمرو احتمالی که در آنها روح‌های شریر فعال می‌باشند.
کشف و گفتگو کنید: قلمروهای به‌خصوصی که روح‌های شریر شیطان به دنبال کنترل آن هستند، به نظر می‌رسد چه باشند؟

۱) روح‌های شریر در امپراطوریها و کشورها
بخوانید: دانیال ١٠: ١١-١٤، ٢٠-٢١.
عهد عتیق نقل می‌کند که قبل از آمدن اول عیسی مسیح (جسم یافتن او)، پادشاهیها و امپراطوریهای زمینی فارس و یونان، در میان ارواح شریر نمایندگان روحانی خود را داشتند. از این قسمتها به نظر می‌رسد که روح‌های شریر و دیوها حکمران بر آنها توجه زیادی به کشورهای خاصی در جهان داشتند.

۲) روح‌های شریر در شهرها و شهرکها
بخوانید: دوم پادشاهان ١٧: ٢٩-٣١ ؛ مکاشفه ٢: ١٣
ملاحظات: زمانی که مردم از ملتهای مختلف در سامره سکونت داده شدند، هر گروه ملی در همان شهرکی که سکنی داده شده بودند، خدای خود را عبادت و خدمت می‌کردند. هر بت، عبادتگاه و کاهن خود را داشت. به نظر می‌رسد که سامریان معتقد بودند که روح‌های به خصوصی، قلمروهای به خصوصی را کنترل می‌کنند و لازم است که در آن قلمرو از طریق بتهای محلی و عبادتگاهای محلی خودشان در آن قلمرو پرستیده شوند. عهد جدید می‌گوید که در یک زمان خاص، شیطان

تخت خود را در شهر پرغامس داشت. این شهر یک شهر سلطنتی قدیمی و در آن زمان محل حکومت روم در ایالت آسیا بود. در آن شهر بت‌پرستی بسیار شیوع داشت، از جمله پرستش امپراطور روم. بنابراین، در آن شهر، شیطان تقریباً قدرت مهار نشدنی ای داشت و با شدت تمام عمل می‌کرد. اما عیسی مسیح، مسیحیانی را که در آنجا زندگی می‌کردند مطمئن می‌سازد که بر ضد این پرستندگان بتها با شمشیر زبان خود می‌جنگد. او گفت که فقط با بیان کلماتش اشخاصی را که توبه نکرده اند، داوری خواهد نمود و معلمین دروغین آنها را بر زمین خواهد افکند (مکاشفه ۱: ۱٦ ؛ ۲: ۱۲ ، ۱٦ ؛ ۱۹: ۱۵). از این قسمتها به نظر می‌رسد که روح‌های شریر توجه زیادی به شهرها و شهرکهای خاصی دارند.

۳) روح‌های شریر در فرهنگهای انسانی

بخوانید: مکاشفه ۱۸: ۲ ؛ ۱۹: ۲۰ ؛ ۲۰: ۱۰

ملاحظات: «شهر بابل» یک تصویر مکاشفه ای از «قدرت غیر اخلاقی و غیر مسیحی شیطان است که در فرهنگ انسانی نشان داده شده است». شهر تحت عنوان «فاحشه بزرگ» توصیف شده است (مکاشفه ۱۷: ۱-۵). زمانی که شهر سقوط می‌کند، تحت عنوان «مسکن دیوها و جایگاه هر روح خبیث» توصیف شده است. این بدین معنا نیست که این روح‌های خبیث و دیوها بعد از سقوط آن شهر هنوز فعال خواهند بود. این قسمت یک خبر و اعلام است که سقوط آینده بابل آنقدر حتمی و قطعی است که طوری تصویر و بیان شده است که انگار قبلاً اتفاق افتاده است. در آمدن دوم مسیح، سقوط و ویرانی آن آنقدر سریع و آنقدر قطعی خواهد بود که حتی روح‌های شریر قادر به فرار نخواهند بود. روح‌های خبیث به زندان یا به خرابه های بابل انداخته می‌شوند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که در داوری نهایی روح‌های خبیث به همراه شیطان و دیوهای حکمران او داوری و مجازات خواهند شد. از این قسمتها به نظر می‌رسد که روح‌های شریر علاقه و توجه زیادی به فرهنگهای انسانی قومها دارند.

٤) روح‌های شریر به عنوان روح‌های منطقه ای

امروزه بسیاری از طوایف به «روح‌های منطقه ای» خود اعتقاد دارند. چادرنشینان هرگز در خارج از منطقه و قلمرو خود اردو نمی‌زنند مگر اینکه اول اجازه حتمی از «روح مالک» آن مکان به‌دست آورند. چادرنشینان خود را صاحبان آن زمین نمی‌دانند، بلکه معتقدند که فقط استفاده‌کنندگان از آن می‌باشند، آن هم فقط با اجازه صاحبان حقیقی آن یعنی روح آن زمین. آنها همچنین معتقدند که این روح‌های منطقه ای در مدتی که آنها در قلمرو آنها زندگی می‌کنند، به نوعی آنها را می‌پذیرند.

عهد جدید تعلیم نمی‌دهد که این روح‌های شریر عملاً " کنترل‌کننده " سرزمینی هستند. بلکه فقط بیان می‌دارد که این دیوها در مکان‌های متعددی از زمین " فعال" می‌باشند. هدف اصلی آنها این است که سعی کنند مانع گسترش انجیل و جلال خدا در این مکانها گردند. با وجود این، این روح‌های شریر نمی‌توانند مانع ورود مسیحیان به هیچ یک از مکانهای زمین گردند. زمانی که مسیح این روح‌های شریر یا دیوها را از طریق دعاها و کار رسالتی و بشارتی مسیحیان « ببندد» در آن زمان این تسلط و کنترل دیوها کمتر خواهد شد و در نهایت تسلط خود را بر مردم از دست می‌دهند و ملکوت خدا کنترل را بدست می‌گیرد (متی ۱۲: ۲۹).

ب) تمام قلمروها تحت کنترل مطلق عیسی مسیح هستند.

بخوانید: اشعیا ١٤: ٢٤-٢٧ ؛ دانیال ۱۰: ۱۱-١٤، ۲۰-۲۱.

کشف و گفتگو کنید: چه کسی قلمروها و وقایع تاریخی حال و آینده زمین را کنترل می‌کند؟

۱) خدا مقتدرانه هر قلمروی روی زمین را کنترل می‌کند.

ملاحظات: اگرچه به نظر می‌رسد روح‌های شریر و دیوهای حکمران سعی در کنترل قلمروهای به خصوصی را دارند (اشعیا ١٤: ١٣-١٤)، اما کتاب مقدس به صراحت تعلیم می‌دهد که آنها هرگز عملاً تمام قلمروها را، برای مثال قلمروهایی شبیه تمام امپراطوری بابل یا فارس یا یونان را کنترل نمی‌کنند. آنها هرگز هر چیزی را که در این کشورها اتفاق می‌افتد، کنترل نمی‌کنند. برای مثال، دانیال در امپراطوری بابل و فارس زندگی و خدمت می‌کرد و هرگز تحت کنترل روح‌های شریر نبود. اگرچه بسیاری از غیر مسیحیان و حتی بعضی از مسیحیان معتقدند که منطقه یا قلمروی آنها بوسیله روح‌های شریر و دیوهای حکمران بر آنها و نه بوسیله خدا کنترل می‌شود، اما کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خدا در عیسی مسیح مقتدرانه بر تمام قلمروهای روی زمین و بر تمام کائنات کنترل دارد (متی ۲۸: ۱۸).

۲) خدا مقتدرانه وقایع تاریخی جهان را کنترل می‌نماید.

ملاحظات: غیر مسیحیان اغلب معتقد به یک سلسله مراتب روحهای شریری می‌باشند که وقایع تاریخی زمین را کنترل می‌کنند. برای مثال در زمان عهد عتیق معتقد بودند که کشورهای قدرتمندی مثل امپراطوری های فارس و یونان دیوهای حکمران دارند که نیرومندتر از قدرتهای روحانی کشورهای ضعیف تر مثل کشور کوچک اسرائیل، می‌باشند. اما کتاب مقدس آشکارا تعلیم می‌دهد که «سلسله مراتب دیوها» در هوا رونوشتی از «سلسله مراتب پادشاهان» روی زمین نیست. اگرچه اسرائیل یک ملت کم‌اهمیت و ناچیز و بابل و یونان امپراطوری های جهانی بزرگ بودند، اما میکائیل «رئیس فرشتگان» اسرائیل بسیار نیرومندتر از «دیوهای حکمرانان» بر فارس و یونان بود. این حکمرانان دیو فارس و یونان نبودند که وقایع تاریخی فارس، یونان و اسرائیل را کنترل می‌کردند، بلکه خدای قادر مطلق ما.

کتاب مقدس به دفعات بیان می‌کند این خداست که روح‌های شریر و دیوهای حکمران را می‌بندد و از بین می‌برد. برای مثال می‌خوانیم که پادشاه قدرتمند آشور به خود می‌بالید که خدایان قومها و ملتهای دیگر نتوانستند قومهای خود را از ارتش

قدرتمند او رهایی دهند. با وجود این، زمانی که حزقیا پادشاه و اشعیای نبی در دعا بسوی خدا فریاد برآورند، خدا فقط یک فرشته را فرستاد که ارتش قدرتمند آشور را بطور کامل شکست داد (دوم تواریخ ۳۲: ۱-۲۱).

۳) خدا مقتدرانه وقایع تاریخی آینده جهان را آشکار می‌کند.

ملاحظات: خدا به دانیال آشکار کرد که جنگ روحانی در هوا اول برضد فارس و سپس برضد یونان بود، چرا که هر کدام از این کشورها برای مدت محدودی بر کشور اسرائیل که به عنوان قوم خدا در تبعید به‌شمار می‌رفتند، قدرت و تسلط داشتند. اگرچه قوم خدا بی‌دفاع به نظر می‌رسیدند، آنها خدا و فرشتگان خدا را همچون پشتیبان خود داشتند. اگرچه جنگ بر روی زمین به‌گونه‌ای بود که این شک را بوجود می‌آورد که آیا قوم خدا می‌توانند زنده بمانند، رویای خدا به دانیال به این منظور بود که به دانیال یک اعتماد غیرقابل جنبش ببخشد که با وجود شرایط نومیدانه، خدا بر تمام وقایع روی زمین کنترل دارد. نتیجه و عاقبت جنگ روحانی در هوا قبلاً تعیین شده بود.

۳- روح‌های شریر با پیوستن به چیزهای خاصی متعلق به انسانها، سعی در نابودی آنان دارند.

الف) روح‌های شریر سعی می‌کنند که جسم و روح انسانها را نابود سازند.

کشف و گفتگو کنید: چگونه روح‌های شریر سعی می‌کنند که جسم و روح انسانها را نابود سازند؟

۱) **بخوانید:** متی ٤: ۲۳-۲٤ ؛ ۱۲: ۲۲ ؛ لوقا ۱۱: ۱٤ ؛ ۱۳: ۱۱، ۱٦

ملاحظات: بعضی مواقع روح‌های شریر باعث ناتوانی‌های جسمی‌می‌شوند. اگرچه همه بیماریها و ناتوانیهای جسمی بوسیله روح‌های شریر بوجود نمی‌آیند (ر.ش. یوحنا ۹: ۱-۳)، اما بعضی از روح‌های شریر قدرت دارند که انسانها را کور (متی ۱۲: ۲۲)، کر و لال (لوقا ۱۱: ۱٤) یا لنگ (لوقا ۱۳: ۱۱-۱٦) سازند.

۲) **بخوانید:** لوقا ۸: ۲۷-۲۹، ۳۵ ؛ مرقس ۹: ۲۰-۲۲

ملاحظات: بعضی مواقع روح‌های شریر باعث ناتوانایی های روحی یا روانی می‌گردند. بعضی از روح‌های شریر قدرت دارند که انسانها را دیوانه (لوقا ۸: ۲۷-۲۹، ۳۵) کنند و یا آنها را بسوی خودکشی سوق دهند (مرقس ۹: ۲۰-۲۲). با وجود این، می‌باید این مطلب را کاملاً روشن سازیم که همه بیماری ها، دردها، ناتوانی های جسمی و بیماریهای روانی بوسیله روح‌های شریر بوجود نمی‌آیند، چرا که کتاب مقدس به صراحت بین اینها در متی ٤: ۲۳-۲٤ تمایز قائل می‌گردد.

۳) **بخوانید:** متی ۱۲: ٤۳-٤٥ ؛ لوقا ۸: ۲، ۳۰

ملاحظات: بعضی مواقع روح‌های شریر انسانها را تسخیر می‌کنند. بعضی مواقع بعضی از روح‌های شریر وارد بدن غیر مسیحیان می‌گردند، یعنی وارد کسانی که روح‌القدس در ایشان زندگی نمی‌کند. چنین اشخاصی «دیوزده» نامیده می‌شوند. اگرچه روح‌های شریر به مسیحیان تولد تازه یافته حمله می‌کنند (افسسیان ٦: ۱۰, ۱٦)، هرگز نمی‌توانند وارد ایشان شوند، چرا که «او که در شماست، بزرگتر است از آنکه در جهان است». (اول یوحنا ٤: ٤ ؛ متی ۱۲: ٤۳-٤٥ ؛ یوحنا ۱۰: ۲۸ ؛ ۱٤: ۱٦-۱۷).

ب) روح‌های شریر سعی می‌کنند که عقل و روح انسانها را نابود سازند.

کشف و گفتگو کنید: روح‌های شریر چگونه سعی کنند که عقل و روح انسانها را نابود سازند؟

۱) **بخوانید:** تثنیه ۳۲: ۱٦-۱۷ ؛ مزمور ۱۰٦: ۳٤-۳۹ ؛ اول قرنتیان ۱۰: ۱۸-۲۱

ملاحظات: روح‌های شریر مخصوصاً از بت‌پرستی برای نابود ساختن عقل و روح انسانها استفاده می‌کنند. روح‌های شریر خود را به بتها و قربانی‌هایی که به بتها تقدیم می‌شود ملحق و ملصق می‌کنند. بنابراین، بت‌پرستی در واقع پرستش روح‌های شریر است.

۲) **بخوانید:** اول تیموتاؤس ٤: ۱-۳ ؛ اول یوحنا ٤: ۱-٦ ؛ دوم یوحنا ۷-۱۱

ملاحظات: روح‌های شریر خود را به معلمین دروغین و تعالیم دروغین آنها ملحق و ملصق می‌کنند تا عقل و روح انسانها را نابود سازند. روح‌های شریر مطمئناً در تعالیم مذاهب، فلسفه ها و مکاتب (ایدئولوژی های) این دنیا دخیل می‌باشند. روح‌های شریر مطمئناً در دروغها و تهمت هایی که اغلب بوسیله رسانه های گروهی پخش می‌گردند، دخیل می‌باشند (یوحنا ۸: ٤٤). روح‌های شریر نیز احتمالاً در فرضیه های نادرست آگاهانه ای که بوسیله دانشمندان مطرح می‌گردند، دخیل می‌باشند.

۳) **بخوانید:** لاویان ۱۹: ۲٦, ۳۱ ؛ ۲۰: ٦, ۲۷ ؛ تثنیه ۱۸: ۹-۱۳

ملاحظات: روح‌های شریر خود را به هر نوع اعتقاد به سحر و جادو ملحق و ملصق می‌سازند تا انسانها را نابود سازند. روح‌های شریر اعتقاد به سحر و جادو را کنترل می‌کنند، از قبیل قربانی کردن انسانها در آتش، پیشگویی، جادوگری، فال‌گیری، سحر، جادو کردن، احضار ارواح، مشورت از مردگان و سایر روشهای منزجرکننده قومهایی که خدای کتاب مقدس را نمی‌شناسند. «شیطان‌پرستی» معمولاً همراه است با انواع اعمال منزجرکننده، شبیه سحر و جادو، فساد جنسی و قتل‌های فجیح.

پ) روح‌های شریر سعی می‌کنند از طریق جفای سیاسی، گمراهیهای مذهبی و فریب اخلاقی، قوم خدا را نابود سازند.

کشف و گفتگو کنید: چگونه روح‌های شریر سعی در نابودی قوم خدا دارند؟

بخوانید: مکاشفه ۱٦: ۱۳-۱٤ ؛ ۱۷: ۱-٦

ملاحظات: یوحنا سه روح شریر را توصیف می‌کند (سه روح خبیث) که از دهان اژدها، وحش و نبی کاذب بیرون می‌آیند. آنها معجزات انجام می‌دهند تا رهبران قومها و ملت ها را فریب داده، آنان را مخالف و ضد خدا بگردانند. این روح‌های شریر به شباهت وزغ دیده می‌شوند تا خصوصیات نفرت انگیز، چندش آور و مشمئز کننده آنها را نشان دهد. این روح‌های شریر ناپاک، عقاید، نقشه‌ها، طرح‌ها، روشها و اقدامات شیطانی و اهریمنی را که در جهنم بوجود آمده اند و در افکار انسانها از طریق خود شیطان و دو فرشته اش یعنی وحش و نبی کاذب وارد شده اند، نشان می‌دهند. نماینده سوم شیطان، «فاحشه بزرگ» می‌باشد.

۱) «وحشی که از دریا بالا می‌آید» نماد حکومت‌های ضد مسیحی شیطان و جفاهای آنها می‌باشد (مکاشفه ۱۳: ۱-۱۰)، مخصوصاً در امپراطوریهای بزرگ جهان (ملتها به عنوان واحدهای سیاسی) (دانیال ۷: ۱۷) با پادشاهانشان (همه فرمانروایان) (دانیال ۷: ۲٤) که به دنبال یکدیگر در دوره بین آمدن اول و دوم عیسی مسیح می‌آیند، بصورت نمادین، ٤۲ ماه بیان شده است (مکاشفه ۱۳: ٥-۷). این دوره سه سال و نیمه نمادی است از یک دوره مشخص زمانی که با آمدن اول مسیح آغاز می‌گردد (مکاشفه ۱۲: ٥-٦) و با آمدن دوم مسیح پایان می‌یابد (مکاشفه ۱۱: ۲-۱۲). «از دریا» بالا می‌آید، اشاره به «قومهای جهان که شورش و خروش می‌کنند» می‌باشد (مزمور ٦٥: ۷ ؛ اشعیا ۱۷: ۱۲ ؛ مکاشفه ۱۷: ۱٥). این وحش، جفاکننده سیاسی ضدمسیحی شیطان در زمان حاضر می‌باشد.

۲) «وحشی که از زمین بالا می‌آید» یا «نبی کاذب» نماد دانش، فریب و طرفداران ضد مسیحی شیطان می‌باشد (مکاشفه ۱۳: ۱۱-۱۸)، مخصوصاً در مذاهب، ایدئولوژی ها، فلسفه ها و علوم این جهان با طرفداران خود در دوران بین آمدن اول و دوم مسیح. «از زمین» بالا می‌آید اشاره بی‌بهره بودن از طبیعت و اهمیت آسمانی (فیلیپیان ۳: ۱۹) و غیر روحانی و شیطانی بودن (یعقوب ۳: ۱٤-۱٥) است. «وحشی که از زمین بالا می‌آید» نماد تمام مردم و سازمانهایی است که از مذاهب، ایدئولوژی ها، فلسفه ها و علوم ضد مسیحی طرفداری می‌کنند و مسیحیان را در دوره بین آمدن اول و دوم مسیح جفا می‌رسانند. نماد اینها ٤۲ ماه حکومت وحشی است که از دریا بالا می‌آید (مکاشفه ۱۳: ٥، ۱۲-۱۳). «عدد ۲» به «شاهد» یا «طرفدار» (تثنیه ۱۷: ٦ ؛ متی ۱۸: ۱٦ ؛ لوقا ۱۰: ۱) اشاره می‌کند. نبی کاذب، مذاهب ضد مسیحی شیطان در عصر حاضر است که باعث فساد و گمراهی می‌گردد.

۳) «فاحشه بزرگ» یا «بابل» نماد دنیای ضد مسیحی شیطان و فریبهای آن می‌باشد، مخصوصاً در صنعت و تجارت، آموزش و تشکیلات قضایی، تجملات و لذت ها، هنر و ورزش و غیره (مکاشفه ۱۸: ۲-۳ ، ۲۰ ، ۲۲). بطور خلاصه، نمادی از فرهنگ ضد مسیحی شیطان است که مربوط به امپراطوریهای جهان در دوران بین آمدن اول و دوم مسیح می‌باشد. او بوسیله تمام این فریبها در جستجوی اغوا کردن و گمراه نمودن انسانها، شیفته و کور کردن آنان می‌باشد تا ایشان را از خدا برگرداند (مکاشفه ۱۹: ۲). «بابل» نماد این است که جهان به عنوان کانون تجملات، جادو و پلیدی، به عنوان تجسم «شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی» که «دنیا و شهوات آن در گذر است» در نظر گرفته می‌شود (اول یوحنا ۲: ۱٦-۱۷). «بابل»، «فاحشه بزرگ» اخلاق ضد مسیحی و گمراهکننده شیطان در عصر حاضر می‌باشند.

در طول قرن اول میلادی وسوسه انکار مسیح و به سوی دنیا رفتن از سه جهت وارد می‌شد:

- اولی از سوی جفا بر ضد مسیحیان، از قبیل شمشیر، حیوانات وحشی، زنده سوزاندن، زندان واتهامات مکرر در دادگاههای رومی (مکاشفه ۲: ۹-۱۰، ۱۳ ؛ ۳: ۹).
- دومی از سوی مذهب ضد مسیحی، از قبیل، پرستش امپراطور، مذهب گنوسی، و مذاهب سری (مکاشفه ۲: ٦، ۱۳-۱٥).
- سومی از سوی اخلاق ضد مسیحی، از قبیل وسوسه های جسم. افرادی که دائماً برای شرکت در جشن های غیراخلاقی بت پرستان دعوت می‌شدند به این منظور که موقعیت اجتماعی آنها حفظ گردد و از لذات این جهان بهره‌مند گردند.

در هر دوره، مسیحیان باید در نظر بگیرند که چه کسی و چه چیزی نماد جفای ضد مسیحی، مذهب ضد مسیحی و اخلاق ضد مسیحی در جامعه آنها می‌باشد.

در رویای یوحنا، این روح‌های شریر به سوی قومهای تمام جهان بیرون می‌روند، در نتیجه همچنین به سوی قوم شما تا آنها را فریب داده و آنها را بر ضد خدا و قوم خدا یا به عبارتی دیگر بر ضد مسیحیان بشورانند. هر چه به آمدن دوم عیسی مسیح نزدیک می‌شویم، فعالیت بیشتر جفاهای ضد مسیحی، مذهب ضد مسیحی و اخلاق ضد مسیحی را شاهد هستیم. فعالیت این سه روح ضد مسیحی در طی روزهای آخر قبل از آمدن دوم مسیح، افزایش می‌یابد.

روح‌های شریر اغلب «ناپاک، خبیث» نامیده می‌شوند، چرا که نه تنها از جهت مذهبی، بلکه مخصوصاً از جهت اخلاقی، مردم را گمراه می‌کنند؛ بنابراین امکان دارد که بسیاری از روح‌های شریر تأثیر نیرومندی بر فساد جنسی میان مردم از قبیل هرزه‌نگاری، زنا، فحشا، همجنس‌گرایی و هر نوع فساد اخلاقی جنسی داشته باشند. فعالیتهای ضد مسیحی روح سوم که به نام «بابل» یا «فاحشه یزرگ» نامیده شده است در جهت گمراهی عظیم اخلاقی می‌باشد.

دوباره باید این نکته را کاملاً روشن سازیم که تمام شرارت از شیطان یا روحهای شریر او سرچشمه نمی‌گیرد. چرا که کتاب مقدس می‌گوید که مهم ترین مشکل، شیطان یا روح‌های شریر و یا حتی جهان شریر نمی‌باشد. کتاب مقدس می‌گوید که بزرگترین مشکل قلب گناهکار انسان است (ارمیا ۱۷: ۹ ؛ رومیان ۸: ٥-۸).

نتیجه‌گیری: روح‌های شریر یا دیوها دوست دارند خود را به فرمانروایان سیاسی ملت‌ها، به بت‌پرستان، و معلمین دروغین مذاهب ضد مسیحی و به مردمان فاسدالاخلاق بچسبانند.

پ - خلع سلاح روح‌های شریر

کشف و گفتگو کنید: عیسی با روح‌های شریر چه کرد؟

۱- عیسی مسیح روح‌های شریر را خلع سلاح کرد.

بخوانید: کولسیان ۲: ۱٤-۱۵
تعلیم دهید: «دستخطی را که مشتمل بر فرایض بود» در اینجا بطور خاص مناسك و تشریفات عهد عتیق می‌باشد. عیسی مسیح با مرگ خود بر روی صلیب نه تنها شریعت را کامل کرد، بلکه شریعت را یک بار برای همیشه باطل کرد. شریعت مانند «مدعی و شاکی غیر شخصی» مردم عمل کرده بود، چرا که هر شخصی شریعت را زیر پا گذاشته و هیچ شخص نمی‌تواند شریعت را حفظ کند. چون عیسی مسیح شریعت را به عنوان مطالبه منصفانه خدا برای عادل شمردگی، به کمال رسانید، می‌تواند این قانون را باطل سازد. مسیحیان از شریعت عهد عتیق و هر قانونی که به عنوان وسیله ای برای کسب عادل‌شمردگی یا نجات باشد، آزاد هستند. مسیحیان همچنین دیگر تحت الزام و تعهد برای رعایت کردن قوانین تشریفاتی و قوانین مدنی عهد عتیق نمی‌باشند.

«ریاستها و قوات» به روح‌های شریر در اتمسفر اطراف زمین و قدرتهای شریر در روی زمین اشاره می‌کند. عیسی مسیح با مرگ خود بر روی زمین نه تنها شیطان را بست، بلکه یک بار و برای همیشه روح‌های شریر را نیز خلع سلاح کرد. این روح‌های شریر به عنوان «مدعی و شاکی شخصی» مردم عمل کرده بودند، چرا که عیسی مسیح هنوز مصلوب نشده بود و در نتیجه گناهان آنها هنوز کفاره نشده بود (رومیان ۸: ۳۳ ؛ مکاشفه ۱۲: ۱۰). بوسیله اعمال رهایی بخش بزرگ عیسی مسیح که عبارتند از مرگ، قیام، صعود و بر تخت نشستن او (کولسیان ۲: ۱۵ ؛ مکاشفه ۱۲: ۱۰ ؛ افسسیان ۱: ۲۰-۲۳)، خدا این روح‌های شریر را خلع سلاح کرد و آنها را در نظر همگان همچون اسیران جنگی به دنبال ارابه فاتحانه خویش کشید و ایشان را رسوا ساخت. خدا این سه چیز را که یک بار و برای همیشه در آمدن اول عیسی مسیح، ۲۰۰۰ سال پیش انجام داد. از طریق عیسی مسیح پیروزمند، خدا بر شیطان و تمام فرشتگان شریر او یک بار و برای همیشه پیروز گردید (رومیان ۸: ۳۷-۳۹).

عیسی مسیح شیطان را بست (متی ۱۲: ۲۹ ؛ مکاشفه ۲۰: ۳) و تمام روح‌های شریر او را خلع سلاح کرد (کولسیان ۲: ۱۵). این بدین معنا نیست که عیسی مسیح آنها را از تمام جوانب بست یا خلع سلاح کرد، چرا که بقیه قسمتهای کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که هنوز هم شیطان و روح‌های شریر او تأثیر بسیار قدرتمندی برای شرارت در زندگی انسانهایی که عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده اعتراف نکرده اند بکار می‌گیرند. و اگرچه شیطان بسته شده است و روح های شریر او خلع سلاح گردیده اند، هنوز مسیحیان احتیاج دارند که اسلحه کامل خدا را بپوشند و با حملات شریر مقاومت کنند (افسسیان ٦: ۱۰-۱۸). مسیحیان می‌توانند با شیطان و روح‌های شریر او مقاومت کنند فقط به این دلیل که شیطان بسته شده است و روح‌های شریر او خلع سلاح شده اند. مسیحیانی که در پوشیدن اسلحه روحانی غفلت و کوتاهی می‌کنند، امکان دارد در زندگی شخصی خود شکست را تجربه کنند و مجبور گردند که با داوری مسیح روبرو شوند (مکاشفه ۲: ۱٤-۱٦).

۲- عیسی مسیح، مسیحیان را از حاکمیت روح‌های شریر رهانید.

بخوانید: کولسیان ۱: ۱۳-۱٤
تعلیم دهید: «قدرت ظلمت» اشاره به کنترل و حاکمیت شیطان و روح‌های شریر او می‌کند. کولسیان ۱: ۱۳ می‌گوید که خدا یک بار برای همیشه مسیحیان را از حاکمیت ظلمت رهایی داد و آنها را به ملکوت خود آورد. او این کار را از طریق مرگ و قیام عیسی مسیح انجام داد که رهایی و بخشش را برای همه انسانهایی که به عیسی مسیح ایمان دارند به ارمغان آورد. کولسیان ۲: ۱۰ می‌گوید از هم اکنون عیسی مسیح «سر تمامی ریاسات و قدرت است» که وجود دارند.

۳- عیسی مسیح باعث می‌گردد که مسیحیان از دام روح‌های شریر بگریزند.

بخوانید: دوم تیموتاؤس ۲: ۲۵-۲٦
تعلیم دهید: خدا باعث می‌گردد که انسانها یک بار برای همیشه از دام شریر که آنها را اسیر ساخته تا اراده او را انجام دهند، رها گردند. خدا این انسانها را از دست شیطان و عوامل شریر آن بوسیله عطا کردن توبه به ایمانداران رهانید، توبه‌ای که ایشان را به شناخت حقیقت و به خود آمدن هدایت می‌کند.
هر مسیحی که در عیسی مسیح می‌ماند و در او عمیق‌تر می‌گردد، ضرورتی ندارد که از شیطان یا روح‌های شریر او بترسد. شیطان بسته شده و روح‌های شریر او خلع سلاح شده اند. آنها نمی‌توانند به مسیحیان آسیبی برسانند مگر اینکه مسیحیان از خدا اطاعت نکنند و در نتیجه به این روح‌های شریر اجازه دهند که به آنها آسیب رسانند.

ت - جنگ علیه شیطان و روح‌های شریر

۱- مسیحیان می‌باید در برابر روح‌های شریر مقاومت کنند.

کشف و گفتگو کنید: مسیحیان چگونه باید در برابر شیطان و روح‌های شریر مقاومت کنند؟
ملاحظات: مسیحیان می‌باید در برابر حملات روح‌های شریر مقاومت کنند. اگرچه شیطان و روح‌های شریر او مغلوب شده اند و قدرت مطلق آنها بر انسانها بسته شده است، با وجود این، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که مسیحیان باید مواظب باشند و برعلیه آنها با جنگ روحانی بجنگند. مسیحیان ضرورتی ندارد که از این روح‌های شریر یا دیوها بترسند. آنها بوسیله عیسی مسیح در آمدن اول او خلع سلاح و بسته شده اند. با وجود این، جنگ روحانی آنها تا آمدن دوم مسیح ادامه خواهد داشت، چرا که این روح‌های شریر یا دیوها هنوز به انسانهایی که به مسیح ایمان ندارند آسیب زیادی می‌رسانند و هنوز سعی می‌کنند به اشخاصی که متعلق به عیسی مسیح هستند نیز آسیب رسانند.

الف) اول تسلیم و مطیع خدا باش، سپس با شریر مقاومت کن.
بخوانید: یعقوب ٤: ٧-٨
یعقوب ایمانداران را تشویق می‌کند که ابتدا به خدا نزدیک شوند، قلبهای خود را در حضور خدا پاک سازند و به خدا تسلیم کنند. سپس می‌باید با شریر مقاومت نمایند. خدا وعده داده که شریر از آنها خواهد گریخت.

ب) اول پرهیزکار، هشیار و در ایمان مسیحی استوار باش، سپس با شریر مقاومت کن.
بخوانید: اول پطرس ٥: ٨-٩
پطرس رسول هشدار می‌دهد که شیطان در اطراف مسیحیان می‌گردد و دائماً در جستجوی فرصتی است که به آنها حمله کند. بنابراین مسیحیان ابتدا باید پرهیزکار باشند، نسبت به حملات شریر هشیار بوده و در ایمان مسیحی استوار بایستند. سپس در برابر حملات شیطان و روح‌های شریر مقاومت کنند. مسیحیان باید بدانند که سایر مسیحیان در سرتاسر دنیا با همین نوع رنجها روبرو هستند.

پ) اول از خشم و تلخی رهایی یاب، سپس به شیطان مجال نده.
بخوانید: افسسیان ٤: ٢٦-٢٧، ٣١
پولس رسول مسیحیان را تشویق می‌کند که از تلخی، خشم، جنجال (دعوا) و تهمت، هر نوع بدخواهی و کینه توزی رهایی یابند. چرا که انجام چنین اعمالی مجال دادن به نفوذ شیطان می‌باشد. چیزهای دیگری که به نفوذ شیطان مجال می‌دهد، عبارتند از: داشتن رابطه جنسی نادرست، درگیر شدن در فعالیت‌های شریرانه یا رفتن به مکان‌های مشکوک (از نظر اخلاقی).

ت) اول کاملاً مطمئن باشید که روح القدس در شما زندگی می‌کند، سپس روحها را بیازمایید و ببینید که آیا از جانب خدا هستند.
بخوانید: اول یوحنا ٤: ١-٦ ؛ دوم یوحنا: ٧-١١
یوحنای رسول مسیحیان را تشویق می‌کند ایمان داشته باشند روح القدسی که در آنها زندگی می‌کند روح راستی است. بنابراین مسیحیان نباید به روح‌های دروغگوی درون انسانهاییکه اعتراف نکرده اند عیسی مسیح خدایی است که طبیعت انسانی به خود گرفته (یوحنا ١: ١, ١٤) یا به زندگی براساس تعالیم عیسی مسیح ادامه نمی‌دهند، ایمان داشته باشند. معلمین دروغین بسیاری در جهان وجود دارند. مسیحیان باید آنها را بیازمایند و به دروغهای آنها ایمان نیاورند. گرچه خدا عطای تشخیص روحها را به بعضی از مسیحیان بخشیده (اول قرنتیان ١٢: ١٠)، اما به تمامی مسیحیان کتاب مقدس را عطا کرده تا حقیقت را بشناسند و تشخیص دهند (یوحنا ١٧: ١٧ ؛ دوم تیموتاؤس ٣: ١٦-١٧). مسیحیان باید با معلمین دروغین مخالفت کنند، چرا که آنها عوامل دروغین روح‌های شریر می‌باشند. مسیحیان باید از طریق امتناع کردن از گوش دادن به آنها یا تعالیمشان با آنها مخالفت کنند. مخصوصاً باید از خواندن کتابهای نادرست آنها خودداری کنند. و باید از پذیرفتن آنها به خانه هایشان نیز سر باز زنند.

۲- مسیحیان می‌باید برعلیه روح‌های شریر بجنگند.

کشف و گفتگو کنید: چگونه مسیحیان باید برعلیه شیطان و روح‌های شریر او جنگ نمایند؟
ملاحظات: مسیحیان باید برعلیه روح‌های شریر با سلاحهای روحانی جنگ نمایند.

الف) استفاده کردن از زره روحانی برای خاموش کردن تیرهای آتشین و دفع حمله ها
بخوانید: افسسیان ٦: ١٦-١٨ می‌فرماید: «سپر ایمان را بکشید که به آن بتوانید تمامی‌تیرهای آتشین شریر را خاموش کنید. . . شمشیر روح را که کلام خداست بردارید و با دعا والتماس در هر وقت در روح دعا کنید». مسیحیان باید مخصوصاً ایمان و آیات خاص کتاب مقدس و دعا را برای جنگ روحانی برضد شیطان و روح‌های شریر بکار برند. « تیرهای آتشین شریر» حملات او به جسم، فکر و روح مسیحیان می‌باشد. برای مثال اتهامات دروغ. با وجود این، مسیح به مسیحیان وعده داده که ایمان را همچون سپری عطا کند تا این تیرهای آتشین را خاموش کنند. شخص مسیحی ایمان دارد که سخنان و وعده های خدا

راست و حقیقت است و براساس این اطمینان عمل می‌کند. شخص مسیحی همچنین از آیات مشخص و خاصی از کتاب مقدس استفاده می‌کند که در برابر حمله چون شمشیر روح حمله می‌کند و حملات شریر را مغلوب می‌نماید. و شخص مسیحی باید در اعتماد کامل به عیسی مسیح که از طریق روحش در ایماندار زندگی می‌کند, دعا کنند. بنابراین مسیحیان نباید بدون اعتماد و اطمینان کامل به عیسی مسیح و کلام او در کتاب مقدس با حملات روح‌های شریر مقابله کنند. هدف مسیحیان در جنگ ثابت و پایدار ایستادن در ایمان مسیحی و در پیروزی بر هر نوع شرارت می‌باشد (افسسیان ٦: ١٣).

ب) استفاده از سلاحهای روحانی برای انهدام قلعه ها و آزادی اسیران

بخوانید: دوم قرنتیان ١٠: ٣-٥ می‌فرماید: «زیرا هر چند در جسم رفتار می‌کنیم ولی به قانون جسمی‌جنگ نمی‌نمائیم، زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست، بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه ها، که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می‌افرازد، به زیر می‌افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می‌سازیم». مسیحیان باید از حکمت، حقایق و براهین کتاب مقدس برای جنگ روحانی برعلیه شیطان و روح‌های شریر او استفاده نمایند. اولین هدف مسیحیان در جنگ روحانی عبارت است از انهدام قلعه‌های روحانی شریر. این «قلعه»ی روح‌های شریر دلایل و ادعاها و تفکرات دروغین می‌باشد. دومین هدف مسیحیان در جنگ روحانی عبارت است از آزاد ساختن مردم جهان که بوسیله این روح‌های شریر به اسارت گرفته شده اند (دوم تیموتاؤس ٢: ٢٥-١٦).

٣- مسیحیان باید قدرت روح‌های شریر را در هم بشکنند.

الف) در هم شکستن روح‌های شریر تحت رهبری کلیسا

١) مسیح به استفاده از مسیحیان ادامه می‌دهد تا مردم را از اسارت رهایی دهد و آنان را از ظلمت برهاند.

بخوانید: متی ١٢: ٢٩-٣٠ ؛ یوحنا ١٢: ٣١-٣٢ ؛ کولسیان ١: ١٣-١٤ ؛ دوم تیموتاؤس ٢: ٢٥-٢٦

ملاحظات: مسیحیان نه تنها باید با شریر مقاومت کنند، بلکه باید به «قلمروها» یا «قلعه ها»ی او حمله کنند. باید اجازه دهند که مسیح از طریق دعاهای ایشان و اعلام خبر خوش انجیل، به بستن روح‌های شریر در مردم و در جوامع ادامه دهد. در نتیجه، مسیحیان ابزار مسیح برای رهایی مردم از حاکمیت شیطان و ربودن مردم از قلمرو ظلمت شیطان و آوردن آنها به ملکوت خدا می‌گردند. وقتی مردم به سوی عیسی مسیح می‌آیند و از ظلم و ستم شیطان آزاد می‌گردند، بر اساس لوقا ١٠: ١٨-٢٠ شیطان از آسمان به زیر افکنده می‌شود و به زمین کوفته می‌شود.

٢) مسیح مخصوصاً به رسولانش این اقتدار و قدرت را داد تا روح‌های شریر را اخراج کنند.

بخوانید: متی ١٠: ١، ٨ (رسولان)؛ مرقس ١٦: ٩-٢٠ (شاگردان مسیح)؛ لوقا ١٠: ١٨-٢٠ (شاگردان مسیح)؛ اعمال ٥: ١٦(رسولان)؛ اعمال ٨: ٧ (فیلیپس مبشر)؛ اعمال ١٣: ٦- ١٢ (پولس رسول)؛ اعمال ٢٦: ١٧- ١٨ (پولس رسول)؛ دوم قرنتیان ١٢: ١٢ (رسولان)؛ عبرانیان ٢: ٣-٤ (شاگردان مسیح).

ملاحظات: همه مسیحیان می‌باید مشغول باز کردن چشم مردم به سوی حقایق کتاب مقدس، از جمله حقیقت کار ویرانگر شیطان و روح‌های شریر او باشند. همه مسیحیان می‌باید دست اندرکار اعلام خبر خوش انجیل و دعا و در نتیجه ربودن مردم از قلمرو شیطان باشند.

اما مسیح به بعضی از مسیحیان اقتدار خود را برای در هم شکستن قدرت شیطان و روحهای شریر او که بر افراد مشخصی مسلط بودند، عطا کرد. در اناجیل، مسیح اقتدار و قدرت خود را فقط به دوازده شاگرد (رسول) و به یک گروه بزرگتر از شاگردانش (٧٢ نفر) داده بود. در کتاب اعمال رسولان، عیسی مسیح این اقتدار و قدرت خود را فقط به رسولان خود (١٢ نفر)، پولس رسول و فیلیپس مبشر داده بود. همانند عیسی مسیح آنها نیز روح‌های شریر را در نام عیسی مسیح نهیب می‌دادند و روح‌های شریر مردم را ترک می‌کردند. در نامه های عهد جدید تعلیم داده شده است که عیسی مسیح این اقتدار را به رسولانش داد تا علامت مشخصه ای باشد بر اینکه ایشان رسول عیسی مسیح‌اند (دوم قرنتیان ١٢: ١٢ ؛ عبرانیان ٢: ٣-٤).

در پرتو متن انجیل مرقس و تعلیم بقیه کتاب مقدس, مرقس ١٦: ١٧-٢٠ به شاگردان بلافصل عیسی مسیح اشاره می‌کند. آنها بودند که در ابتدا ایمان نداشتند (مرقس ١٦: ١١ , ١٤). اما وقتی ایمان آوردند، خداوند کلامی را که موعظه می‌کردند بوسیله علاماتی که همراه موعظه آنها بود، تأئید می‌کرد (مرقس ١٦: ١٧، ٣٠ ؛ متی ١٠: ١، ٨ ؛ لوقا ١٠: ١٨-٢٠ ؛ دوم قرنتیان ١٢: ١٢ ؛ و اعمال ١٩: ١٣-١٦). علاوه بر این، مرقس ١٦: ٩-٢٠ جزو متن اصلی انجیل مرقس نیست. قدیمی‌ترین و معتبرترین دستنوشته‌های یونانی، لاتین و سریانی نشان می‌دهند که انجیل مرقس در ١٦: ٨ خاتمه می‌یابد. نمی‌دانیم آیا هرگز مرقس انجیل خود را تمام کرد یا نه. اگر نه، نمی‌دانیم چرا. و اگر تمام کرد نمی‌دانیم چه بر سر نتیجه‌گیری او آمد. بعداً یک نویسنده مرقس ١٦: ٩-٢٠ را به عنوان یک پایان مناسب به انجیل اضافه کرد. مرقس ١٦: ٩-٢٠ یک شرح خلاصه جالب توجه است که از سایر اناجیل جمع آوری شده است و بعضی از ظهورهای عیسی را بعد از قیامش، صعود او و ادامه کار او بوسیله شاگردانش را نقل می‌کند. مرقس ١٦: ٩-١١ خلاصه یوحنا ٢٠: ١١-١٨ در مورد ظهور عیسی به مریم مجدلیه می‌باشد. مرقس ١٦: ١٢-١٣، خلاصه لوقا ٢٤: ١٣-٣٥ در مورد ظهور عیسی به دو نفر در راه عموآس می‌باشد. مرقس ١٦: ١٤-١٨، خلاصه متی ٢٨: ١٦-٢٠ در مورد ظهور عیسی به یازده شاگردش بر کوهی در جلیل می‌باشد. و مرقس ١٦: ١٩-٢٠، خلاصه اعمال ١: ٩-١١، صعود عیسی و ادامه کارش بوسیله شاگردان می‌باشد.

مرقس ۱٦: ۹-۲۰ برای ایمان و عمل فقط تا آن حد الزام آور است که تعالیمش بطور مشخص بوسیله اصل کتاب مقدس تأئید گردد. چون برداشتن مارهای سمی و نوشیدن زهر کشنده (مرقس ۱٦: ۱۸) بوسیله هیچ قسمت دیگری از کتاب مقدس تأئید نشده، نباید به عنوان کتاب مقدس در نظر گرفته شود، بلکه بیشتر به عنوان مطالب مشکوک، یعنی مطالبی که از نظر اصالت مورد شک و تردید قرار دارند که بعداً بوسیله یک نویسنده به شباهت کلمات کتاب مقدس ابداع شده است. به منظور اجتناب از سوءاستفاده از خدمت شکستن قدرت روح‌های شریر بوسیله اخراج آنها، این خدمت می‌باید به بهترین نحو فقط زیر نظر رهبری پیران کلیسا و با همکاری آنان انجام گیرد.

۳) مسیح قلمرو و قلعه های شریر را از طریق دعاها و کار خدمت رسالتی قوم خود مورد هجوم و تاخت و تاز قرار می‌دهد.

بخوانید: لوقا ۸: ۱۲ ؛ متی ۱۲: ۲۹-۳۰

ملاحظات: براساس لوقا ۸: ۱۲ هدف اصلی روح‌های شریر در هر جا، به عبارت دیگر در هر «قلمرو» یا «قلعه»ای که آنها حفاظت می‌کنند، این است که سعی کنند مانع گسترش انجیل و جلال خدای کتاب مقدس گردند. با وجود این براساس متی ۱۲: ۲۹-۳۰ وقتی عیسی مسیح، این روح‌های شریر را از طریق دعاها و کار خدمت مبشری مسیحیان «می‌بندد»، این روح‌های شریر تسلط خود را بر مردم کم کرده و در نهایت تسلط خود را بر مردم از دست می‌دهند. سپس ملکوت خدا به جای آن استوار می‌گردد.

ب) در هم شکستن قدرت روح‌های شریر بوسیله دعا و ایمان

کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که «بستن» روح‌های شریر (متی ۱۲: ۲۹-۳۰) می‌باید بوسیله روش مشخصی انجام گیرد، اگرچه بعضی از مسیحیان طرفدار این هستند که بستن روح‌های شریر به روش خاصی که به «دعای هدفمند» معروف است، انجام می‌گیرد. آنها این روش را به شرح زیر توضیح می‌دهند. اول، نامها و اهداف این روح‌های شریر باید تشخیص داده شود. دوم، روح‌های شریر باید در نام عیسی مسیح، بسته و بیرون کرده شوند. سوم، این دعای هدفمند یا استراتژیک ترجیحاً باید در مکانی که قلمرو عملکرد روحها نامیده می‌شود، انجام گیرد. این دیدگاه قدرت روح‌های شریر را زیاد و پیروزی کامل عیسی مسیح را بر شیطان و روح‌های شریر او در هر جایی در جهان، اندك در نظر می‌گیرد. علاوه بر این، کتاب مقدس این دیدگاه را تأئید نمی‌کند و این روش را تعلیم نمی‌دهد.

۱) نه دعای دانیال, بلکه عمل حاکمانه خدا در مقابل روح‌های شریر عمل کرد.

بخوانید: دانیال ۹: ۱-۳ ؛ ۱۰: ۱، ۱۲-۱٤

ملاحظات: دانیال از کتاب ارمیا پی برده بود که اسرائیل برای مدت ۷۰ سال در اسارت و رنج خواهد بود. دانیال خود را در حضور خدا فروتن ساخته بود و در مورد فلاکت و بدبختی اسرائیل نزد خدا دعا کرده بود. او گناهان اسرائیل را اعتراف کرد و اقرار نمود که تنبیه و مجازات خدا برای گناهان اسرائیل عادلانه بوده است. او از خدا استدعا کرد که نسبت به اسرائیل و اورشلیم بخشنده و رحیم باشد. خدا مقتدرانه به دعای او پاسخ داد و از طریق رویایی به او آشکار کرد که در آینده نزدیک بر اسرائیل چه روی خواهد داد. دعای دانیال در مورد بستن دیوهای حکمران نبود بلکه برای درک فلاکت و بدبختی اسرائیل. فرشته ای که برای دانیال توضیح داد در آینده نزدیک چه اتفاقی برای اسرائیل روی خواهد داد، به او درباره جنگ روحانی در هوا و نتیجه مشخص آن سخن گفت. این دعای دانیال یا ایمان یهودیان نبود که این روح‌های شریر و دیوهای حکمران آنها را بست و مغلوب ساخت. این خدای مطلق و متعال بود که میکائیل، رئیس فرشتگان را فرستاد تا این دیوهای حکمران را ببندد و مغلوب سازد و به این صورت نقشه عالی خود را برای قوم خویش به انجام رساند. اگرچه جنگ بر روی زمین به‌گونه ای بود که این شک را بوجود می‌آورد که آیا قوم خدا زنده باقی خواهد ماند یا نه، رویای خدا به دانیال برای این بود که دانیال را تشویق نماید. خدا به دانیال یک اطمینان غیرقابل تزلزل بخشید که شرایط روی زمین هر چقدر هم که می‌خواهد نومیدکننده باشد، خدا همیشه وقایع جهان را در کنترل خود دارد و نتیجه جنگ روحانی در هوا از قبیل تعیین شده است. هدف فصلهای ۹ و ۱۰ کتاب دانیال این نیست که به مسیحیان تعلیم دهد در جنگ روحانی چه باید انجام دهند، بلکه این است که مسیحیان را درباره آنچه خدا انجام داده است و آنچه در جنگ روحانی انجام خواهد داد تشویق نماید. البته مسیحیان ممکن است الگو و نمونه خوب دانیال را پیروی کنند که چگونه خود را فروتن ساخت، دعا کرد و گناهان مشخص قوم خود را اعتراف کرد. اما این قسمت آنچه را که به روش دعای هدفمند یا استراتژیک بر علیه به‌اصطلاح روح‌های منطقه ای معروف است، تعلیم نمی‌دهد.

۲) نه دعای مسیحیان، بلکه عمل حاکمانه عیسی مسیح درهای بسته را باز می‌کند.

بخوانید: مکاشفه ۳: ۷-۹ ؛ اشعیا ۱٤: ۲٤، ۲۷ ؛ متی ۲۸: ۱۸

ملاحظات: آنکه درها را می‌بندد و باز می‌کند عیسی مسیح است نه مسیحیان از طریق دعاهایشان.

عقاید زیر کتاب مقدسی نمی‌باشند:

- بعضی از مردم معتقدند که هیچکس با روح‌های شریر «مخالفت و مقابله» نمی‌کند، این روح‌های منطقه ای «آزاد هستند تا آنطور که دوست دارند عمل نمایند». کتاب مقدس، اعتقاد به چنین عقیده ای را مجاز نمی‌شمارد.
- بعضی معتقدند تا موقعی که مسیحیان بوسیله دعاهای خودشان این روح‌های شریر را «نبندند» هیچ کار روحانی از قبیل خدمت مبشری یا رسالتی نمی‌تواند در آن قلمرو انجام گیرد. کتاب مقدس این دیدگاه را حمایت نمی‌کند.
- بعضی معتقدند که «گناه» کشور خاصی باعث می‌گردد آن کشور به روش خاصی «نفرین شده» باشد و در نتیجه آن کشور «نیاز دارد» که بوسیله دعاهای مسیحیان قبل از اینکه انجیل در آن کشور پذیرفته شود، «آزاد گردد». در کتاب مقدس هیچ توجیه و دلیلی برای اعتقاد به این عقیده وجود ندارد.

- بعضی معتقدند که مسیحیان می‌باید اول یک روح شریر یا دیو خاص و جای پای او را در آن کشور تشخیص دهند و سپس می‌توانند بر ضد آن دعا کنند. چنین اعتقادی را نمی‌توان از کتاب مقدس استنتاج کرد.

دیدگاه های ذکر شده در بالا با توجه به روح‌های شریر و دیوهای حکمران آنها، قدرت روح‌های شریر را زیاد می‌پندارند و حاکمیت و اقتدار خدا را اندك. آنها همچنین ارزش زیادی برای مسؤولیت و دعای مسیحیان قائل می‌شوند تا عمل کامل و پیوسته عیسی مسیح.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که نه روح‌های شریر و دیوهای حکمران آنها، بلکه خدای حاکم از طریق عیسی مسیح همه مکانهای روی زمین و تمام وقایع تاریخ و همه انسانهای روی زمین را تحت کنترل دارد (اشعیا ١٤: ٢٤، ٢٧ ؛ متی ٢٨: ١٨). کتاب مقدس تعلیم می‌دهد این مسیحیان نمی‌باشند که از طریق دعاهایشان سرزمین ها و کشورها را برای موعظه انجیل باز می‌کنند، بلکه عیسی مسیح است که تمام کلیدها را در دست دارد و به عبارت دیگر اوست که مقتدرانه تمام درهای مکانهای بسته را در جهان باز می‌کند و فرصتهایی برای اعلام خبر خوش انجیل فراهم می‌سازد.

٣) نه دعاهای مسیحیان، بلکه پاسخهای خدا به دعاهای مسیحیان قدرت روح‌های شریر را در هم می‌شکند.

بخوانید: کولسیان ٤: ٢-٤ ؛ افسسیان ٦: ١٠-١١ ؛ متی ١٢: ٢٩ ؛ دوم قرنتیان ١٠: ٣-٥

ملاحظات: جایگاه دعا چیست؟ کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که ما مسیحیان می‌باید خود را وقف دعا کنیم، تا خدای حاکم «فرصتهایی» را در هرکجا برای موعظه پیام انجیل فراهم سازد. دعا وسیله باز کردن درها نیست، بلکه وسیله درخواست از خدا است تا درها را باز کند، البته اگر اراده‌اش باشد. دعا یک قدرت انسانی نیست که خود به خود دست خدای حاکم را به حرکت وادارد. چنین اعتقاد و باوری خودبینی و تکبر است و انسان را قدرتمندتر از خدا می‌سازد. دعا به‌معنی دست باز انسان است تا آنچه را که خدا در اراده خویش مقدر فرمود که به ما ببخشد، دریافت کنیم.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد زمانی که ما مسیحیان دعا می‌کنیم و خدمت مبشری را در هر منطقه ای از زمین انجام می‌دهیم، باید زره کامل خدا را بپوشیم تا بتوانیم در برابر دسیسه های شیطان بایستیم. همچنین تعلیم می‌دهد که به خاطر کار نجات تکمیل‌شده مسیح بر روی صلیب، مسیح مقتدرانه بستن روح‌های شریر و دیوهای حکمران را و کشیدن و جلب کردن انسانها را به سوی خود، ادامه می‌دهد (یوحنا ١٢: ٣١-٣٢). او این کار را در پاسخ به دعاهای مسیحیان و از طریق خدمت مبشری جهانی مسیحیان انجام خواهد داد. خدا حتی قادر است بسیار بیشتر از آنچه ما می‌خواهیم یا تصور می‌کنیم عمل نماید (افسسیان ٣: ٢٠).

٤) ایمان به وعده عای خدا باعث می‌گردد مسیحیان با اطمینان دعا کنند و با اعتماد صبر نمایند.

بخوانید: متی ٦: ٩-١٠ ؛ ١٨: ١٩ ؛ لوقا ٢٢: ٤٢ ؛ یوحنا ١٤: ١٣؛ یعقوب ٤: ١٥

ملاحظات: جایگاه ایمان در رابطه با دعا چیست؟

- در متی ١٨: ١٩ عیسی وعده داده، فرمود: «هرگاه دو نفر از شما در زمین درباره هر چه که بخواهند متفق شوند، هر آینه از جانب پدر من که در آسمان است برای ایشان کرده خواهد شد». و در یوحنا ١٤: ١٣ وعده می‌دهد که، «هر چیزی را که به اسم من سؤال کنید به جا خواهم آورد». چنین وعده هایی به این منظورند که مسیحیان را با اطمینان به مکان دعا بیاورند. مسیحیان زمانی که برای ایجاد فرصتها و یا بر ضد روح‌های شریر دعا می‌کنند، احتیاج به دلیری و تشویق دارند. این وعده ها از خدایی سخن می‌گوید که همه دعاهای ما را می‌شنود، قادر است هرکاری را انجام دهد و آنقدر بخشنده و سخاوتمند است که هیچ چیز نیکو را از ما منع نخواهد کرد.
- اما یک چیزی که این وعده ها برای آن ما را تشویق نمی‌کنند یا اجازه نمی‌دهند، این است که باید با اصرار و سماجت سرسختانه دعا کنیم گویی ما می‌دانیم چه چیزی درست است و خواست ما باید انجام شود. وعده های خدا به این منظور نیست که تکبر و غرور انسانها را افزایش دهد.
- ماهیت «ایمان» در دعا، یعنی دعا کردن با اطمینان و سپس اتکا به اراده مطلق و متعال خدا با اعتماد. یعقوب ٤: ١٥ تعلیم می‌دهد که ماهیت زندگی و دعا عبارت است از: «نه به خواهش من، بلکه به اراده تو» (لوقا ٢٢: ٤٢). عیسی تعلیم می‌دهد که این نگرش و طرز برخورد در تمام دعاهای ما ضروری است. او فرموده: «پس شما اینطور دعا کنید: نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید، اراده تو کرده شود». (متی ٦: ٩-١٠). بنابراین در دعاهای ایمان «ایمان» ما این نیست که باور داشته باشیم خدا خودبه‌خود آنچه را ما طلبیده ایم یا آنچه را که وعده داده است، انجام خواهد داد، بلکه ما با اعتماد به اراده خدای حاکم و امین و بامحبت خود تکیه می‌کنیم. به این دلیل است که مسیحیان باید در تمام دعاهای خود بگویند: «اراده تو کرده شود».
- ما مسیحیان هر بار که دعا می‌کنیم «اراده تو کرده شود»، هر نوع محدودیت انسانی را از دعاهای خود بر می‌داریم. شناخت ما از موقعیت واقعی منطقه یا کشور، شخص یا گروههای مردم همیشه محدود است. راه حلهای پیشنهادی ما و درک ما از اراده مطلق و متعال خدا همیشه محدود است. گاهی اوقات محدودیتی را بوسیله درک خود از اینکه چه نیازهایی باید برطرف شود، به دعاهای خود تحمیل می‌کنیم. بعضی مواقع محدودیتی را بوسیله پیشنهادهای خود درباره اینکه چه چیزی نیازها را برطرف می‌سازد، به دعاهای خود تحمیل می‌کنیم. و گاهی اوقات محدودیتی را بوسیله احساس خود از اینکه برای یک وضعیت مشخص و خاص چه چیزی بهتر است، به دعاهای خود تحمیل می‌کنیم. این چنین دعا کردن که «اراده تو کرده شود» نشانه ضعف یا شک نمی‌باشد، بلکه بیشتر نشانه قدرت و ایمان است. هر زمان که ما مسیحیان دعا می‌کنیم، «اراده تو کرده شود» هیچ محدودیتی را به دعای خود تحمیل نمی‌کنیم، بلکه بیشتر دعای خود را فراتر از تمام محدودیتهای انسانی و قید و بندهای زمین برمی‌افرازیم. درخواست اینکه، «اراده تو کرده شود»، موقعیت، منطقه، اشخاص، و گروه مردم را بطور کامل در دستهای خدا و حکمت، محبت و

قدرت بیکران و لایتناهی او قرار می‌دهد. هیچ جای امن‌تری از دستهای خدا که بتوان شخص یا گروه مردم را به آنجا سپرد وجود ندارد و هیچ راه حلی برای هر مشکلی، مناسب‌تر، سودمندتر و پرجلال‌تر از راه حلی که خدا در ذهن خود برای آن شخص، آن گروه از مردم یا کشور آنها دارد، وجود ندارد.

- مکاشفه ۸: ۳-۵ تعلیم می‌دهد که دعاهای ناقص و محدود ما بر روی زمین با بوی خوش دعاهای کامل مسیح در آسمان برای ما در هم می‌آمیزد (رومیان ۸: ۳٤ ؛ عبرانیان ۷: ۲۵). بنابراین دعاهای محدود و ناقص ما به تخت خدا به شکل بی نقص و کامل می‌رسد. او همیشه فیض و رحمت می‌بخشد تا ما را کمک و اعانت نماید. ، مخصوصاً در زمانی که به آن احتیاج داریم (عبرانیان ٤: ١٦). خدا همیشه به دعاهای ما جواب می‌دهد، اما نه با انجام آنچه دعاهای ناقص ما توصیه می‌کند، بلکه با انجام آنچه اراده کامل او در نظر داشته است.

٤- <u>مسیح در نهایت شیطان و تمام روح‌های شریر او را داوری خواهد کرد.</u>

بخوانید: مکاشفه ١٦: ١٣-١٦ و ٢٠: ٧-١٠
تعلیم دهید: دقیقاً قبل از آمدن دوم مسیح در طی مصیبت عظیم، شیطان و دیوهای او بسوی یک شورش بر ضد خدا کشانده می‌شوند. با وجود این، عیسی مسیح به‌هنگام آمدن دوم خود، آنها را به جهنم خواهد انداخت، جایی که هرگز از آن گریزی نخواهد بود و مکانی که در آن، روز و شب تا ابد شکنجه و عذاب خواهند دید.